

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شخصیت حضرت محمد ﷺ

پیش از بعثت

دوره سوم، شماره ششم

نام جزوه: شخصیت حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیش از بعثت

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

[www.darrahehaq.com](http://www.darrahehaq.com)

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

## فهرست مطالب

- محیط عربستان پیش از ظهور اسلام ..... ۶
- پیامبران سازنده‌ی محیط بودند نه پیرو آن ..... ۱۰
- نصب حجرالاسود و نظریه‌ی محمد (صلی الله علیه و آله) ..... ۱۴

## اصل «محاکات»<sup>۱</sup>

روان شناسان معتقدند: محیط سازنده‌ی زیربنای شخصیت و طرز تفکر افراد است و اصل «هم‌رنگی و هماهنگی» آنان را به دنبال افکار و کردار اجتماع می‌کشاند.

گر چه گروهی از آنان در این مسأله افراطی شده‌اند و این نظریه را یک «اصل کلی و همه‌جانبه» پنداشته‌اند و تمام پدیده‌های اجتماعی را بدون استثناء با این قانون تجزیه و تحلیل می‌کنند، ولی اصل تأثیر «اجتماع» در روحیه‌ی افراد قابل انکار نیست.

---

۱. رهبران بزرگ و مسؤولیت‌های بزرگ‌تر، چاپ دوم، ص ۳۷.

بنابراین، محیط تقوی و فضیلت، فرزندان را با تقوی و منظم تربیت می‌کند و اجتماع فاسد و منحرف، نوعاً افراد را به پرتگاه فساد و انحراف می‌کشاند، پس کسانی که راه خود را از مسیر اجتماع آلوده جدا می‌کنند، انسان های عادی و معمولی نیستند.

### محیط عربستان پیش از ظهور اسلام

جهان، به‌ویژه عربستان در دریای آشوب و جهل غرق بود و توده‌ی عرب در آتش فساد و خرافات می‌سوخت، ابرهای سیاه جهالت، افق زندگی اعراب را تاریک ساخته بود و در روزگاری سیاه به سر می‌بردند، چه مال‌ها که به غارت نمی‌رفت و چه خون‌ها که به‌ناحق ریخته نمی‌شد!

دوره سوم، شماره ششم / ۷

و از همه ننگین تر، مجسمه‌های بی‌جانی بود که مورد پرستش آن‌ها واقع می‌شد<sup>۱</sup> موهومات و اختلافات طبقاتی با شدیدترین وضعی حکومت می‌کرد. چیزی که وجود نداشت، قانون و عدالت بود، توانگران بی‌عاطفه از دسترنج دیگران و خون دل یتیمان و بیوه زنان سیم و زر می‌اندوختند و بزرگی و آقای می‌فروختند و طبقه‌ی رنجبر و زحمتکش را استثمار می‌کردند.

برنامه‌ی آنان در کسب و تجارت، به اندازه‌ای نادرست بود که در مقابل بدهی شوهر ناتوان، زن را

---

۱. تاریخ تمدن ویل دورانت، کتاب چهارم، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱۱، ص ۱ تا ۱۰ - الدرّة البيضاء فی شرح خطبة فاطمة الزهراء، ص ۲۷ و ۵۴.

مسئول می دانستند و در برابر طلبی که از زن ناتوان و درمانده داشتند، شوهر او را بازداشت می کردند.<sup>۱</sup>

عوض این که خود به کمال و تحصیل علوم پردازند، به نیاکان و کثرت افراد افتخار می کردند و گاهی برای این که ثابت کنند عده‌ی آنان از قبیله‌ی دیگر بیشتر است، به گورستان می رفتند و قبرها را می شمردند و ضمیمه می کردند!<sup>۲</sup>

شهوت رانی، می گساری و خونریزی از کارهای روزمره و پیش پا افتاده‌ی آنان بود.<sup>۳</sup>

---

۱. دائرة المعارف فرید وجدی، ج ۶، ص ۲۵۰.

۲. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۳۴، چاپ جدید.

۳. العصر الجاهلی، دکتر سوفی ضیف، چاپ پنجم مصر، ص ۷۰.



دوره سوم، شماره ششم / ۹

«امرؤ القیس» شاعر معروف عرب. سرگذشت خود را با دختر عمویش «عنیزه» که نموداری از یک عشق بازی شیطانی و جنون آمیز است باکمال بی‌شرمی در اشعارش شرح می‌دهد.<sup>۱</sup>

و عجیب‌تر آن‌که همان اشعار را جزو عالی‌ترین آثار ادبی در خانه‌ی کعبه می‌آویختند!

این دورنمایی از وضع عمومی و اخلاق و رفتار جامعه‌ی بی‌بود که نور اسلام از افق تاریک آن ظاهر شد.

بدیهی است کسی که رنگ این اجتماع را به خود نگیرد بلکه از آن رنج هم ببرد و به معارضه‌ی با

---

۱. شرح المعلقات السبع، تألیف الزوزنی، ص ۳.

۱۰ / فلسفه ازدواج های حضرت محمد صلی الله علیه و آله

آن برخیزد، شخصیتی عظیم و ملکوتی دارد که شایسته‌ی رهبری ملت‌ها و نجات آنان از نابسامانی‌ها می‌باشد.

**پیامبران سازنده‌ی محیط بودند نه پیرو آن**

همه به سوی بتکده می‌رفتند ولی محمد (صلی الله علیه و آله) با این‌که از کسی درسی فرانگرفته بود<sup>۱</sup> راه کوه «حرا» را در پیش می‌گرفت و آنجا در مقابل قدرت و عظمت آفریدگار جهان خاکسار می‌شد و او را می‌پرستید.<sup>۲</sup>

محمد (صلی الله علیه و آله) در پرتو عنایات خداوند از همان ابتدا، راه خود را تشخیص داد و

---

۱. سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۴۸.

۲. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۸۰.

دوره سوم، شماره ششم / ۱۱

بدون هیچ اضطراب و تردید، روش‌های نادرست قوم خود را تقبیح کرد و برخلاف آن سنت‌های غلط، گام برداشت.<sup>۱</sup>

او نه تنها لحظه‌ی از عمر شریفش را به بت‌پرستی نگذراند بلکه از شنیدن نام آن‌ها هم بیزار بود. چنان‌که در فصول پیش گفتیم:

هنگامی که دوازده‌ساله بود و (بحیرا) او را به نام دو بت معروف «لات و عزی» قسم داد، آن حضرت در غضب شد و گفت: من هیچ چیز را به اندازه‌ی این دو دشمن ندارم.<sup>۲</sup>

---

۱. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۸۱ - ۲۷۷ و نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۸۰۲.

۲. اعلام الوری، طبع نجف، ص ۱۸ - ۱۷ و بحار، ج ۱۵، ص ۴۱۰.

عظمت و پاکی او زیانزد خاص عام بود، درستکاری و امانتش لقب «امین» به او بخشید و همین صفت پسندیده موجب شد، خدیجه کالای تجاری خود را به او بسپرد.

اخلاق و رفتار محمد (صلی الله علیه و آله) با مردم به اندازه‌ای عالی و دل‌نشین بود که همه مجذوبش می‌شدند.

«عمار» می‌گوید: پیش از بعثت، من و محمد شبانی می‌کردیم، روزی به او پیشنهاد کردم: خوب است برویم در چراگاه «فخ»، محمد (صلی الله علیه و آله) اظهار موافقت کرد چون فردا شد و به آنجا رفتیم، دیدم محمد (صلی الله علیه و آله) قبل از من به آنجا رفته است ولی گوسفندان خود را از چریدن

دوره سوم، شماره ششم / ۱۳

بازمی‌دارد، پرسیدم چرا نمی‌گذاری گوسفندان  
بچرند؟

گفت چون به تو وعده داده بودم، میل نداشتم  
پیش از تو گوسفندان من از این مرتع استفاده کنند.<sup>۱</sup>  
محمد(صلی الله علیه وآله) بدین ترتیب مسیر  
دیگری را طی می‌کرد و شیفته‌ی سنن و عادات قومی  
نمی‌شد و تحت نظارت عامل غیبی به تکامل خود  
ادامه می‌داد.

به همین جهت مردم نسبت به او احترام  
بیشتری قائل بودند و در حل مشکلات به رأی و نظر  
او اهمیت زیادی می‌دادند و از وی پیروی می‌کردند.

نصب حجرالأسود و نظریه‌ی محمد (صلی الله علیه و آله)  
پیامبر اسلام ۳۵ سال داشت که قریش تصمیم گرفتند  
کعبه یعنی خانه‌ی خدا را به وضع بهتری مرمت کنند؛  
و چون قبایل قریش همگی می‌خواستند افتخار این  
بنای مقدس را داشته باشند، هرکدام قسمتی از  
ساختمان کعبه را به عهده گرفتند.

ابتدا «ولید» به خراب کردن خانه شروع کرد  
سپس دیگران او را کمک دادند تا پایه‌هایی که ابراهیم  
خلیل (علیه السلام) بنا کرده بود نمایان شد. آنگاه هر  
قبیله ساختمان قسمتی از خانه را به دست گرفت.  
موقعی که بنای خانه به جایی رسید که باید  
«حجرالأسود» در آنجا نصب شود، اختلاف شدیدی  
میان قبایل قریش رخ داد، زیرا هر دسته از آنان مایل

دوره سوم، شماره ششم / ۱۵

بودند این کار به دست آنها تمام شود و این افتخار  
نصیب آنها گردد.

رفته رفته دامنه‌ی اختلاف بالا گرفت تا از هم  
جدا شدند و مهیای کارزار گردیدند، پسران  
«عبدالدار» کاسه‌ی بزرگی را پر از خون کردند و  
دستهای خود را در آن فروبردند و بدین ترتیب از  
یکدیگر پیمان مرگ و کشته شدن گرفتند.

این اختلاف وحشت‌زا چهار شب یا پنج شب  
به طول انجامید، باینکه «ابوامیه» که سالخورده‌ترین  
افراد قریش بود گفت: پیشنهاد من این است که اولین  
شخصی که از در مسجد وارد می‌شود، او را در این  
مسأله «داور» قرار دهید و نظریه‌ی او را همگی  
پذیرید تا مشکل حل شود.

قریش پیشنهاد او را پذیرفتند و منتظر آن بودند که چه کسی از در مسجد وارد می‌شود، ناگهان پیامبر اسلام وارد شد، چشم آنان وقتی به او افتاد گفتند: این امین است، این محمد است ما به رای او راضی هستیم.

محمد (صلی الله علیه و آله) که از جریان اطلاعی نداشت، وقتی از قضیه آگاه شد، گفت: جامه‌ای بیاورید قریش باینکه از منظور آن حضرت بی‌اطلاع بودند فوراً جامه‌یی حاضر کردند، پیامبر آن را پهن کرد و «حجرالأسود» را در میان آن گذارد و گفت: هر یک از قبایل یک طرف این جامه را بگیرد تا همه در این افتخار سهیم باشند قریش اطراف جامه را گرفتند و بالا بردند تا به جایی رسید که باید حجرالأسود در



دوره سوم، شماره ششم / ۱۷

آنجا نصب شود، آن وقت محمد (صلی الله علیه و آله) دید اگر نصب آن را به دیگری واگذارد اختلاف و نزاع درمی گیرد لذا شخصاً حجرالأسود را برداشت و در جای خود گذاشت و با این تدبیر عالی، اختلاف را به کلی رفع کرد.<sup>۱</sup>

این قضیه به خوبی شخصیت عظیم اجتماعی محمد (صلی الله علیه و آله) را روشن می کند و از طرفی، حسن تدبیر و فکر صحیح او را که غایله‌ی وحشتناکی را بدون خونریزی و نبرد، فیصل داد، آشکار می کند.

---

۱. سیره‌ی ابن هشام، ج ۱، ص ۱۹۲ - ۱۹۷، چاپ سال ۱۳۷۵ - بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۳۳۷ و ۴۱۲.

۱۸ / فلسفه ازدواج های حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

و بدین ترتیب دانسته می شود که وی شایسته‌ی  
مقام پیامبری و پرچم داری انقلاب آسمانی و مقدّس  
بوده است.